

سلبریتی‌ها و زیست بوم هویتی نوجوان

نیم نگاهی به رفتارها و سبک زندگی سلبریتی‌ها و شخصیت فیلم‌ها و سریال‌ها، کتاب‌ها، پهلوانان و قهرمانان دینی و ملی، ستاره‌های موسیقی و ورزشی، بلاگرها و اینفلوئنسرها نشان می‌دهد در زیست بوم هویتی نوجوان امروز، الگوهایی ناهمگون به وی معرفی می‌شود.

به گزارش سایت خبری پرسون، نیم نگاهی به رفتارها و سبک زندگی سلبریتی‌ها و شخصیت فیلم‌ها و سریال‌ها، کتاب‌ها، پهلوانان و قهرمانان دینی و ملی، ستاره‌های موسیقی و ورزشی، بلاگرها و اینفلوئنسرها نشان می‌دهد در زیست بوم هویتی نوجوان امروز، الگوهایی متفاوت، ناهمگون، متضاد و در عین حال ناسازگار با یکدیگر به وی معرفی می‌شود و نوجوان ایرانی را در یک سردرگمی اساسی نسبت به پذیرش خوب‌ها و بد‌ها، باید‌ها و نباید‌های ارزشی، معنایی و رفتاری قرار داده است.

نوجوانی پل بین کودکی و بزرگسالی است. پلی که در آن به دلیل ظهور و بروز انواع نیازها و ویژگی‌های جدید مانند میل به دیده شدن، هویت جویی، خیال پردازی، الگوگیری، بی تجربگی و... در نوجوان، نوجوانی را به دوره ای مبهم، معلق و غبارآلود تبدیل کرده و گذار از آن را دشوار کرده‌است.

در این دوره، مهمترین دغدغه و چالش پیش روی نوجوان شناخت خود و پاسخ به سوال من کیستم، یعنی هویت‌یابی و هویت‌سازی است. او هویت خویش را از کنکاش در خانواده، گروه همسالان، جامعه، اطرافیان، رهبران فکری، رسانه‌ها و... می‌جوید. می‌توان گفت هویت جویی به نوعی نوجوان را به سمت الگوگیری از افراد مختلف سوق می‌دهد و نوجوان من خویش را در آئینه دیگری می‌جوید.

در اینجا منظور ما از الگو، نمونه‌ای است که در برابر چشم قرار دارد و می‌توان بدون استفاده از لغات و کلمات از او چیز آموخت؛ یا می‌توان گفت الگو عبارت از قاعده و دستوری عینی، ولی غیرمستقیم که انسان آگاهانه و یا ناخودآگاه از او تقلید و پیروی می‌کند.

کودک در آغاز زندگی همچون آینه‌ای است که در برابر اشخاص، پدیده‌ها، موجودات و حتی اشیاء قرار می‌گیرد. بی‌شک هر آنچه را که در روبروی اوست، مثل رفتار والدین را منعکس می‌سازد. با ورود فرد به دوره نوجوانی الگوگیری نیز تغییر می‌کند و خانواده جایگاه اصلی خود را به افراد و نهادهای دیگر از جمله مدرسه، گروه دوستان، رسانه‌ها، گروه‌های مرجع و... می‌دهد. در آموزه‌های دینی الگوگیری یک امر فطری معرفی شده است و بر اساس میل به کمال جویی در انسان است که خود را نشان می‌دهد و در قرآن کریم از الگو به اسوه نام برده و مصادیق آن بیان گردیده است.

وقتی از الگو صحبت می‌شود نوجوان با انواع الگوها مانند الگوی مستقیم(زنده) و سمبلیک یا نمادین (غیرمستقیم)، خیالی و واقعی، راستین و دروغین و... مواجه است. الگوی زنده یا مستقیم اولین نوع الگوست که به‌طور واقعی و حضوری رفتارهای الگو مشاهده می‌شود و منبع الهام می‌شود، مانند والدین که در دوره کودکی و بعد از آن سرمشق‌های زنده خوبی‌اند که فرزندان دوست دارند مثل آن‌ها باشند تا احساس ایمنی کنند و مورد حمایت قرار گیرند و یا معلم‌ها در مدرسه. و نوع دوم، استفاده از الگوهای نمادین یا سمبلیک یا الگوی غیرمستقیم است که به واسطه رسانه‌ها معرفی می‌شود مثل ستاره‌های سینما، ورزشکاران و...

الگوها از هر نوعی که باشند، مانند شخصیت‌های علمی، دینی و مذهبی، کارآفرین، چهره‌های تلویزیونی و سینمایی، قهرمانان ورزشی، موجودات کارتونی و شخصیت‌های کتاب‌ها، می‌توانند سرمشق قرار گیرند و طرز لباس پوشیدن، تفریحات، روابط شخصی، سبک صحبت کردن، علاقه‌مندی‌ها، رغبت‌ها و بیزاری‌های آنان به عنوان راهنمای عمل توسط نوجوان استفاده یا تقلید شود.

در واقع، الگوهای فکری و رفتاری جزوه عوامل اصلی هویت دهی به نوجوان است و از طریق ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ها به وی معرفی می‌شوند. به نظر می‌رسد در دوره نوجوانی، نوجوان بیشتر از افراد محبوب و معروف جامعه تقلید می‌کند و آنان را الگوی خود قرار می‌دهد. خود الگوپذیری نیز کارکردهای مختلفی برای هر فردی به همراه می‌آورد، اما در نوجوان این الگوپذیری کارکردهایی مثل آموزش و یادگیری، هویت جویی، جامعه پذیری، شهرت طلبی، نوجویی، میل به استقلال، میل به کمال و... دارد.

در جوامع سنتی این الگوها، در مراسم‌های مختلف و از طریق فرهنگ شفاهی برای دیگران نقل می‌شد. از رئیس قبیله، کدخدایان، میرزا گرفته تا، قهرمانان و جنگجویان، عرفا، هنرمندان و... الگوهایی بودند که معمولاً به نسل‌های بعدی با ابزارهای ارتباطی و رسانه‌های سنتی مثل نقالی، داستان‌گویی، گفت و شنود، پرده خوانی، رویدادهای فرهنگی، جشن‌ها و... معرفی می‌شدند و نوجوان نیز سعی می‌کرد با همانند سازی خود با آن الگو، خود را به فردی محبوب، موردپذیرش و... در جامعه نزدیک کند.

اما با پا گذاشتن به دوره مدرن، تغییر سبک زندگی، حضور رسانه‌های جمعی و تحت وب مثل کتاب، روزنامه، رادیو، تلویزیون، سینما، شبکه‌های اجتماعی و تولید انبوه محصولات رسانه‌ای، الگوها و روش‌های معرفی آنان نیز تغییر کرد. رسانه‌ها در این دنیای جدید با ستاره‌سازی از بازیگران سینما، خواننده‌ها، ورزشکاران و... الگوهای نمادین، آن‌هم از نوع رسانه‌ای شده‌اش را، نه تنها در سطح محلی بلکه در سطح جهانی معرفی کردند.

این تغییر در سبک زندگی از جامعه سنتی به جامعه مدرن در جریان الگوپذیری و به دنبال آن هویت جویی نوجوان اثرگذار بود. اگر نوجوان دیروز از

زمان کودکی و از طریق خانواده و محیط کوچک پیرامونی خود با داستان ها و نقل ها، قصه ها و شعرها، سوگ ها و جشن ها و...الگوهای مطلوب را می شناخت و رفتار خود را منطبق با آنها تنظیم می کرد، برای نوجوان امروزی، آن هم با واسطیاری بخش مهمی از تربیت نوجوان توسط خانواده و آموزش و پرورش به رسانه ها، معرفی الگوها بیشتر از مجاری رسانه ها برای نوجوان انجام می شود. به سخن دیگر این رسانه ها هستند که به عنوان نماینده تام الاختیار والدین، خانواده ها، مدرسه و جامعه، الگوها را می سازند و به نوجوانان معرفی می نمایند. ستاره ها، قهرمانان و اسطوره هایی که با دنیا و زندگی واقعی انسان فرسنگ ها فاصله دارد.

زمانی نوجوان در گلریزان ها، نقالی ها، پرده خوانی ها، زورخانه ها و...با روحیه پهلوانی، جوانمردی، مردم داری و... آشنا می شد، و خود را به این روحيات می آراست، هر چه جلوتر که آمدیم و رسانه به زندگی نوجوان که گره خورد، او با حضور در سینما، ورزشگاه، کنسرت و...چسباندن عکس های سوپرستاره های سینما، ورزشکاران و خواننده ها به اتاقش، عکس و امضا گرفتن از آنها، الگوی خود را دنبال کرد و با مدل مو و نحوه لباس پوشیدن شبیه آنها، متفاوت بودن خود به رخ کشید. بطوری که نوجوان امروزی علاوه بر اینها، با شرکت در رویداد سلبریتی ها و کمپین های هواداری، فن پیچ ها، بازنشر پست ها و استوری ها در فضای مجازی و ارسال هدیه تولد و... و تقلید از استایل آنها، شهرت طلبی و متفاوت بودن خود را نشان می دهد و این یعنی من هویتی متفاوت دارم و خاص هستم و بهتر بگوییم معمولی نیستم.

در حقیقت می توان گفت، در دنیای کنونی الگوگیری به منظور هویت یابی و جامعه پذیری رنگ و لعاب دیگری نسبت به قبل گرفته است و تسهیل نوجوان در دسترسی به انواع رسانه ها و افزایش مهارت رسانه ای نوجوان برای تولید محصولات مرتبط با سلبریتی مورد علاقه اش این فضای را کاملاً متفاوت کرده است و امروزه با ظهور و بروز رسانه های مبتنی بر وب، در کنار ستاره های سینمایی، ورزشکار و خواننده، شاهد پدیده اینفلوئنسری و بلاگری و انواع میم ها و... هستیم.

این تنها به معنی تغییر در فرآیند هویت یابی و جامعه پذیری از طریق الگوهای رسانه ای نیست، بلکه معنای تغییر ارزش ها و باورهایی را دارد که نسل قبل نتوانسته به خوبی آن ارزش ها و باورها را به نسل بعدی منتقل نماید. همچنین خبر از خلق زیست بوم هویتی متفاوت برای نوجوان امروزی را می دهد. زیست بومی که هویت سازی برای نوجوان را از تک صدایی به چندصدایی تبدیل کرده است و کار هویت دهی به نوجوان را برای خانواده، مدرسه، جامعه و متولیان امر تعلیم و تربیت به چالش کشانده است.

در حال حاضر، هر کودکی این امکان را دارد که از قبل به دنیا آمدنش، با ارائه تصویر سونوگرافی، فضا سازی و چیدمان اتاق کودک، رویدادسازی هایی مانند انتخاب تاریخ تولد رند، هفته گرد و ماه گرد تبدیل به یک اینفلوئنسر شود. معنی این امر یعنی شهرت و تجربه دیده شده قبل از رسیدن به سن تمیز و تشخیص از هم. الگویی گزینشی، کادربندی شده و به دور از زندگی واقعی که سبک زندگی بلاگری و اینفلوئنسری را پیش چشم مخاطب نمایش می دهد و هویتی مجازی را شانه به شانه هویت حقیقی اش به او ارائه داده و آن را به چالش می کشد.

لذا، امروزه با دنیایی از الگوهای نمادینی مواجه هستیم که الگوهای فکری واقعی را کنار زده و به حاشیه برده است و همین حاشیه زدگی الگوهای واقعی منجر به تغییر در نوع نگاه و نگرش، نوع تفکر و سبک زندگی نسل جدید است.

فضایی که در آن، گروه های کی پاپی، سوپرستاره های کره ای، شخصیت های انیمه ای، در کنار، الگوهای هالیوودی و بالیوودی و الگوهای بومی و ملی قرار گرفته است و به نوعی یک زیست بوم جدید جهانی را ساخته است که کمترین اثر آن به چالش کشیدن هویت ملی است. و این امر تنها یک مسئله مختص کشور ایران نیست، بلکه اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی در سایر کشورها نیز در فرآیند الگوپذیری و هویت یابی نوجوان به تحلیل و واکاوی این مسئله می پردازند.

همچنین، این مسئله خود را در انواع پدیده های اجتماعی ظهور و بروز می دهد. پدیده هایی که با ازدواج یک سوپرستار، طلاق یک زوج بلاگر، مرگ یک خواننده، حضور یک بازیگر کره ای در ایران، از لایه های پنهان اجتماع، با واکنش خیل هواداران و به خصوص نوجوانان، خود را به پوسته ظاهری جامعه می کشاند و انگشت حیرت خانواده ها و مسئولین و متولیان امر تعلیم و تربیت را به دهان می برد.

این پدیده های اجتماعی به ما نشان می دهند که اول، در زندگی خانوادگی، والدین از وظیفه تربیتی که نسبت به نوجوان بر عهده دارند شانه خالی کرده و در مقابل الگوهای رسانه ای بی طرف هستند و همچنین از دوره نوجوانی و نیازها و ویژگی های آن شناخت ندارند. اگر خانواده بتواند به صورت یک واحد زنده و متشکل، نقش تربیتی و حفاظتی خود را همچون گذشته آگاهانه انجام دهد، نابسامانی های نوجوانان، حتی اگر در خارج هم تقویت شود، زودگذر می باشد و به نتایج وخیم منجر نمی شود.

دوم، در جامعه ایرانی با پشتوانه تمدنی و فرهنگی بی نظیری که وجود دارد، رسانه ها در معرفی الگوهای ملی و دینی بسیار ضعیف عمل کرده اند. تجربه نشان داده است آنجا که الگوهایی همچون مختار، شهید عباس بابایی، حضرت یوسف (سلام الله علیه) و... دستمایه تولید فیلم و سریال قرار می گیرد با استقبال مخاطبان مواجه خواهد شد. لذا، معرفی قهرمانان و اسطوره های ملی و مذهبی می تواند در دوره نوجوانی به فرآیند هویت یابی و الگوپذیری نوجوانان کمک کند.

سوم، گاهی برخوردها و تعارضهایی که میان الگوهای مورد علاقه نوجوان در خانه، مدرسه، جامعه و رسانه وجود دارد، او را دچار تردید و نگرانی می کند. در چنین شرایطی ممکن است او اعتماد خود را نسبت به بعضی از ارزشها از دست بدهد و یا در هر مکانی به گونه ای عمل کند که آن محیط می پسندد که در این صورت به انسانی با چهره های گوناگون و متضاد مبدل می شود. مثلاً هویتی که در فضای مجازی از خود نشان می دهد با هویت واقعی اش متفاوت باشد. در اینجا نیز، خانواده، رسانه و جامعه باید به مصلحت های نوجوان توجه داشته باشند و آینده نوجوانان را که آینده سازان هر جامعه ای هستند را در نظر بگیرند و مسیر رشد و تعالی نوجوان با ارائه الگوهای مناسب هموار سازند.

سخن آخر، نیم نگاهی به رفتارها، سبک زندگی سلبریتی ها و شخصیت فیلم ها و سریال ها، کتاب ها، پهلوانان و قهرمانان دینی و ملی، ستاره های

موسیقی و ورزشی، بلاگرها و اینفلوئنسرها نشان می‌دهد در زیست بوم هویتی نوجوان امروز، الگوهایی متفاوت، ناهمگون، متضاد و در عین حال ناسازگار با یکدیگر به وی معرفی می‌شود و نوجوان ایرانی را در یک سردرگمی اساسی نسبت به پذیرش خوب‌ها و بد‌ها، بایدها و نبایدهای ارزشی، معنایی و رفتاری قرار داده است، مسئله‌ای که باید مورد توجه خانواده، جامعه، رسانه‌ها و متولیان امر تعلیم و تربیت قرار گیرد تا نوجوان را از سردرگمی در پذیرش الگوها به سمت الگویی ایرانی و اسلامی هدایت کنند، در غیر این صورت به زودی با نسلی آشفته، ناهم‌نوا با هویتی چندپاره مواجه خواهیم شد که قرار است سکان اداره جامعه آینده را به دست بگیرد.

تسنیم